درس 18

1 دعا
رهبر گروه: دعا كنيد و اعضاي گروه و نيز اين درس را كه راجع به موعظة ملكوت خـدا اسـت، بـه خداونـد بسپاريد.

2 در ميان گذاشتنِ آموخته‌ها (15 دقيقه)
مزامير
هر يك به‌نوبت و به‌طور خلاصه براي ديگران تعريف كنيد كـه در خلال يكي از «اوقـات خلـوتي» كـه بـه مطالعه قسمت‌هاي تعيين‌شده از كتاب‌مقدس مشغول بوده‌ايد، چه آموخته‌ايد (مزامير 10، 11، 14، 15)، (يا يادداشتهايي را كه در اوقات خلوت خود نوشته‌ايد، بخوانيد).
به كسي كه صحبت مي‌كند خوب گوش كنيد، سخنانش را جدي بگيريد و او را بپذيريد. در مـورد آنچـه مي‌گويد بحث نكنيد.

3 به خاطر سپردن (5 دقيقه)
عنوان مجموعه: كليساي مسيح
دو به دو مجموعة «كليساي مسيح» را مرور كنيد.

4 بررسي كتاب‌مقدس (90 دقيقه)
روميان 1:5-11

مقدمه:
پولس در روميان 3:19-20 تعليم مي‌دهد كه نه يهوديان و نه غيريهوديان (امت‌ها)، هيچ‌يك در نظر خدا عادل نيستند و در حضور خدا محكومند. همچنين نتيجـه مي‌گـيرد كـه نمي‌تـوان بـا رعـايت شـريعت عـادل شمرده شد. و در روميان 3:21-31 مي‌فرمايد كه چگونه مي‌توان عادل شمرده شد.
روميان 1:1 تا 3:20 ثابت مي‌كند كه يهوديان و امت‌ها هر دو به عدالت خدا محتاجند. روميان 3:21 تا 4:25 راه رسيدن به عدالت خدا را آشكار مي‌سازد. در روميان فصل 3، قربـاني مسـيح اسـاس و مبنـاي عدالت خدا است. و در فصل 4، نمونة ابراهيم نشان مي‌دهد كه از طريق ايمان مي‌توان عدالت خدا را از آنِ خود ساخت. فصل‌هاي 5 تا 8 مؤيد وفـاداري و تـأثير عـدالت خـدا هسـتند. روميـان 1:5-11 گـواه آن است كه صلح و فيضي كه مسيحيان از آن برخوردارند، همانا بركات خداسـت كـه هـادي زنـدگي به‌سـوي محبت و اميدند.

گام 1: قرائت
قرائت: روميان 1:5-11 را با هم بخوانيم.
هر يك از ما به‌نوبت يك آيه را بخوانيم تا قرائت تكميل شود.

گام 2: كشف كردن
ملاحظه: كدام حقيقت در اين بخش براي شما مهم است؟
يا: كدام حقيقت در اين بخش فكرتان يا قلبتان را لمس مي‌كند؟
يادداشـت: يك يا دو حقيقت را كه درك مي‌كنيـد كشـف نماييـد، در موردشـان تفكـر كنيـد، و فكرتـان را در دفترتان يادداشت كنيد.
در ميان گذاشتن: (پس از آن كه اعضاي گروه وقتي را به فكر كردن و يادداشت كردن گذراندند، بخواهيد كه به‌نوبت افكارشان را در ميان بگذارند).
حالا به‌نوبت آنچه را كه كشف كرده‌ايم، با يكديگر در ميان بگذاريم.
(سطور بعدي نمونه‌اي است از اين كه چطور افراد كشفيات خود را در ميان مي‌گذارند. به ياد داشـته باشيد كه در هر گروه كوچك، اعضاي گروه مطالب متفاوتي را با هم در ميان خواهند گذاشت، و نه الزاماً مطالب ذيل را.)

كشف 1ـ در روميان 1:5-2 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. عادل شمردگي به ايمان داراي دو نتيجه است.
1- نخستين ثمر يا نتيجة عادل‌شمردگي در آيات 2-1 مذكور اسـت. مـا از مصـالحه بـا خـدا اطمينـان داريم. بر اساس آية 1، ما با خدا رابطه جديدي را آغاز كرده‌ايم كه با عبارت «سلامتي نـزد خـدا» تعريـف شده است. خدا ما را بر اساس مرگ ايثارگرانة مسيح عادل شمرد و با ما مصالحه كرد. و ما نـيز عـدالت

او را كه از سر فيض به ما عطا فرموده است، از طريق ايمان دريافت مي‌داريم و بدين‌ترتيب با او مصالحه مي‌كنيم. بدين‌سان، نتيجة مصالحة خدا با ما، صلح و آشتي ما با خداست! ما اين مصالحه را با اطمينانی عميق از سه چيز تجربه مي‌كنيم: گناهان گذشتة ما بخشوده شده است، شرارت ما در زمان حال به نفع ما ناديده گرفته مي‌شود، و ديگر اين كه هيچ‌يك از وقايع آتي زندگي ما نمي‌تواند ميان ما و محبت خدايمان جدايي بوجود آورد!

براساس آية 2، ما براي هميشه و به‌گونه‌اي استوار در اين رابطه يا جايگاهِ عدالتِ مبتني بر فيض خواهيم ايستاد، آن هم تنها به‌خاطر مسيح. اما اين رابطه نتيجة ضمني ديگري نيز در بر دارد كه همانا اطمينان از دسترسي و رابطة مداوم به حضور خدا است.

2- بر اساس آية 2، ثمر يا نتيجة ديگر عادل شمردگي به ايمان، همانا شادي و فخر در اميد جلال خدا است. «ايمان» يعني اينكه يقين حاصل كنيم كه وعده‌هاي مربوط به آينده، واقعيات زمان حال نيز هستند. آنچه انتظار داريم كه در آينده جامة واقعيت بپوشند، توسط «جلال» خدا خلاصه مي‌شود. اين «جلال» دست كم سه چيز را شامل مي‌شود: در آينده بدنهاي قيام‌كرده خواهيم يافت؛ به‌طور كامل به صورت و شباهت پرجلال عيسي مسيح در خواهيم آمد؛ و در جهاني پرشكوه و فديه‌شده زندگي خواهيم كرد. و از آنجا كه به ايمان عادل شمرده شده‌ايم، از اين اطمينان داريم كه در جلال آيندة خدا نيز سهيم خواهيم شد. گرچه در زندگي روزمره به اين ايده‌آل نمي‌رسيم، اما اين اطمينان امري بلندپروازانه نيست، بلكه امتياز و افتخار ماست. به همين سبب نيز شادمانيم!

كشف 2- در روميان 3:5-11 حقيقت مهمي براي من وجود دارد. دو نتيجة ديگر عادل شمردگي به ايمان در اين آيه‌ها ذكر شده است.

3- سومين نتيجه يا ثمرة عادل شمردگي به ايمان در آيات 3-5 ذكر شده است. ما اطمينان مي‌يابيم كه خدا ما را محبت مي‌كند. همچنين رنجها و فشارها و سختيهايي كه تجربه مي‌كنيم در شكل‌گيري شخصيت مسيحي‌مان و استواري اميدمان نقش مؤثري ايفا مي‌كنند. بر اساس يعقوب 2:2-4، عبرانيان 12:5-11 و اول پطرس 4:12-16، رنجهاي ما موجد بلوغ مسيحي، تقدس و وفاداري‌اند و اطمينان را به ما مي‌دهند كه فرزندان خدا و شريك جلال مسيح مي‌باشيم.

هر چند ما موظفيم كه مشكلات را تحمل كنيم زيرا خدا را دوست مي‌داريم، اما عملاً همين كه قادريم آنها را تحمل كنيم و تحمل نيز خواهيم كرد، به سبب اين واقعيت است كه خدا ما را دوست دارد! خدا به‌وسيلة روح مقدسش همواره محبتش را در قلوب ما جاري مي‌كند. او ما را از آگاهي نسبت به حضور و لطفش آكنده مي‌سازد و ما را از درون متقاعد مي‌نمايد كه مورد محبت او قرار داريم. محبت متعال و پرفيض او بيش از پيش اين اميد را به ما مي‌بخشد كه در تمامي جلال خدا شريك خواهيم شد. و اين ايمان ما نسبت به خدا را همچون محبت او نسبت به ما خلل‌ناپذير مي‌سازد!

4- نتيجة ديگر عادل شمردگي به ايمان، در آيات 6-11 مذكور است. ما از نجات نهايي و كامل خود اطمينان داريم. مردم جهان معمولاً انتظار دارند كه شخص نيكوكار در راه انسانهاي نيك و عادل بميرد (7)، اما آنچه مسيح انجام داد كاملاً غيرمنتظره بود: او براي ناعادلان و شريران مرد ! محبت خدا سبب شد تا مسيح را به‌عنوان كفارة گناهان ما قرباني كند (آيه 8). تنها از طريق مرگ مسيح بود كه رحمت و محبت خدا مي‌توانست با عدالت و تقدس او مصالحه كند! اگر با مرگ مسيح عادل شمرده شديم و با خدا مصالحه كرده‌ايم، پس به يقين با قيام او، در روز داوري نيز از خشم و غضب خدا خواهيم رست (9-10). اگر خدا سود اندك يعني عادل شمردگي كامل و نجات را به ما بخشيده است، پس به يقين سود عظيم را نيز از ما دريغ نخواهد داشت كه همانا تقديس كامل و به جلال رسيدن ما است! و بدين سبب است كه بر نجات خود شادمانيم كه در اين جهان آغاز شده است و در آسمان به كمال خواهد رسيد (11)!

گام 3: سؤال

ملاحظه: از اين بخش چه چيزي مايليد از گروه بپرسيد؟

سعي كنيم همه حقايق موجود در روميان 1:5-11 را درك كنيم و در مورد مطالبي كه درك نمي‌كنيم، سؤال كنيم.

يادداشت: سؤال خود را تا حد امكان روشن طرح كنيد. سپس آن را در دفترتان بنويسيد.

در ميان گذاشتن: (پس از آن كه اعضاي گروه وقتي را به تفكر و يادداشت كردن گذراندند، اجازه دهيد ابتدا هر كس نظرات خود را مطرح كند.)

بحث: (سپس چند تا از اين سؤالات را انتخاب كنيد و بكوشيد در بارة آنها در گروه بحث كنيد و پاسخشان را بيابيد.)

(مطالب ذيل نمونه‌هايي است از سؤالاتي كه ممكن است محصلين مطرح كنند؛ همچنين تذكراتي براي بحث در بارة سؤالات ارائه شده است.)

سؤال 1 (1:5-2). انسانها چگونه با خدا مصالحه مي‌كنند؟

يادداشت. آنان كه براي عادل شمرده شدن، بر رعايت اعمال شريعت اتكا دارند، هرگز نه مي‌توانند با خدا مصالحه كنند و نه مي‌توانند به آرامش فكري دست يابند. هيچ‌يك از اعمال نيكشان نه مي‌تواند آنان را از خشم و غضب خدا عليه گناهان برهاند و نه از ترس و وحشت مجازاتي كه خدا در آينده مقرر فرموده

است. مصالحه با خدا تنها از طريق عادل شمردگي به ايمان قابل دسترسي است، عدالتي كه بر قرباني كفاره‌كنندة مسيح استوار است. اين ما نيستيم كه از طريق رعايت اعمال شريعت با خدا مصالحه مي‌كنيم، بلكه خداست كه بر اساس قرباني كفاره‌كنندة مسيح با ما مصالحه مي‌كند! تنها زماني مي‌توانيم از نعمت مصالحه با خدا بهره‌مند شويم كه خدا با ما مصالحه برقرار كرده باشد! و تنها زماني مي‌توانيم با او مصالحه كنيم كه او با ما مصالحه كند! تنها زماني مي‌توانيم رابطه‌مان را با خدا متحول سازيم كه خدا رابطه‌اش را با ما متحول ساخته باشد. نقطة آغاز مصالحة ما با خدا، مصالحة او با ما است.

سؤال 2 (5:3-5). چرا مسيحيان مي‌توانند در بطن رنجها و زحمات شادمان باشند؟
يادداشت. روميان 5:3 مي‌فرمايد: «در مصيبت‌ها هم فخر مي‌كنيم». اين رنجها شامل رنجهاي متداولي نيز مي‌شود كه مردمان در اين دنياي سقوط كرده بدان مبتلا هستند. مسيحيان نيز به بيماريها و ضعف‌ها و معلوليت‌ها و زحمات و شكستها و يأس و افسردگي و بلاياي طبيعي چون زمين‌لرزه و قحطي و خشكسالي دچار مي‌شوند. همچنين از جفاها و آزارهايي كه اين دنيا بر آنان وارد مي‌آورد نيز رنج مي‌برند.
اما آيا اين رنجها مسيحيان را اندوهگين نمي‌سازند؟ پولس چگونه مي‌تواند به مسيحيان بگويد كه در رنجها شادمان باشند؟ پاسخ آن اينچنين است: تمامي رويدادهاي اين جهان به تحقق ارادة خدا مي‌انجامد! حتي رنجهاي انساني نيز منجر به تحقق اهداف خدا مي‌شود. ما پيش از ايمانمان به مسيح، رنجها را صرفاً نشاني از ناخرسندي خدا از خودمان تلقي مي‌كرديم. اما پس از ايجاد تحول و دگرگوني در رابطه‌مان با خدا ، روابط مردمان و چيزها و حوداث گوناگون با ما نيز دگرگون شد! مسيحيان به رنجي كه براي مسيح متحمل مي‌شوند افتخار مي‌كنند، زيرا مطابق متي 5:4-12، مسيح رنجهاي مسيحيان را رنجهايي تلقي مي‌كند كه بر خود او وارد مي‌شود! بنابراين، مسيحيان مي‌توانند به رنجهاي خود فخر كنند! همچنين مي‌توانند در بطن اين رنجها شادمان باشند. رنجهاي آنان براي خدا فرصت‌هايي فراهم مي‌سازد تا قدرت خود را در حمايت و رهايي آنان ظاهر سازد. مشكلات آنان مشكلات خدا محسوب مي‌شود! بر اساس دوم قرنتيان 12:9، ضعف مسيحيان باعث آشكار شدن قوت خدا مي‌شود! مسيحيان درست زماني در پي طلبيدن قدرت از بالا بر مي‌آيند كه به ضعف خود و قوت خدا پي مي‌برند. و از آنجا كه قدرت خدا كافي و بسنده است، ايمان مسيحيان را تقويت مي‌بخشد. و در نتيجه، مسيحيان كه خواهان پايداري‌اند، پايدار نيز مي‌مانند. آنان مي‌دانند كه رنجها ابزاري هستند در دستان خدا تا شخصيتشان را شكل بخشد و آنان را در اين جهان مؤثر بگرداند و براي جهان ديگر مهيا سازد. بنابراين، «رنجها» هرگز نبايد مسيحيان را غافل‌گير و يا خسته‌خاطر سازد، زيرا رنج بردن و فرزند خدا بودن با هم ملازمند. اندوهگين شدن مسيحيان در خلال رنجها به معناي عدم اصالت ايمانشان نيست. اما اين امكان براي آنان وجود دارد كه در خلال رنجها شادمان باشند.

سؤال 3 (5:6-9). خدا چگونه محبت خود را نسبت به ما نشان مي‌دهد؟
يادداشت. روميان 5:6-10 مي‌فرمايد: «ل'كن خدا محبت خود را در ما ثابت مي‌كند از اين كه هنگامي كه ما هنوز گناهكار بوديم، مسيح در راه ما مرد.»
1- ذات خدا محبت است و نياز ندارد كه محبت خود را نسبت به ما با عملي خاص ثابت كند. اين صحيح نيست كه بگوييم خدايي كه در دوران عهدعتيق خود را مكشوف ساخت، خداي جنگ و انتقام است اما خدايي كه در عهد جديد خود را مكشوف ساخته است، خداي محبت. عهدعتيق و عهدجديد هر دو به‌وضوح تعليم مي‌دهند كه خدا هم قدوس است و از گناه متنفر، و هم خدايي است با محبت كه در پي نجات گناهكاران مي‌باشد. به‌عنوان مثال، ارميا 31:3 مي‌فرمايد: «با محبت ازلي تو را دوست داشتم، از اين جهت تو را به رحمت جذب نمودم.»
2- خدا محبت خود را نسبت به ما از طريق مرگ مسيح بر صليب ثابت مي‌كند. محبت خدا را مرگ مسيح به ما ثابت مي‌كند، بلكه اين محبت ازلي خدا بود كه او را بر آن داشت تا مسيح را در راه گناهان ما قرباني كند. مرگ مسيح يگانه و كامل‌ترين راهي بود كه خدا مي‌توانست از طريق آن محبت خود را نشان دهد. برخي مردم چنين مي‌پندارند كه خدا محبت است زيرا به‌سادگي گناهان انسان را مي‌بخشايد. اما خدايي كه گناه و بي‌عدالتي را مجازات نكند، خدايي است ناعادل و ناقدوس! خداي كتاب‌مقدس تنها خدايي با محبت و رحيم نيست بلكه عادل و قدوس نيز هست. بنابراين، براي اين كه عدالت و قدوسيتش را با رحمت و محبت خود همراه سازد، گناهان ما را بر دوش مسيح بر صليب گذارد و اين‌گونه گناهان ما را مجازات نمود ! عيسي مسيح براي ما شهيد و يا درس عبرت نشد بلكه جانشين ما شد! مسيح براي گناهان ما مرد! او با مرگ خود گناهان ما را كفاره كرد. و «كفاره» بدين معنا است كه او با مرگ خود خشم عادلانه و مقدس خدا را كه عليه گناهان ما برافروخته بود، فرونشاند.
3- خدا پيوسته عمل نيك مسيح را به حساب مردمان ناشايسته‌اي چون ما مي‌گذارد و از اين طريق محبت خود را به ما نشان مي‌دهد. پولس رسول مي‌فرمايد كه مرگ مسيح ممكن‌ترين يا قابل‌درك‌ترين گواه بر محبت خدا نسبت به مردمانِ ناشايسته است. آية 6 مي‌فرمايد آنگاه كه ما هنوز ضعيف بوديم، مسيح براي بي‌دينان وفات يافت. ضعف ما به‌معني نداشتنِ قدرت كافي براي انجام اعمال روحاني و اخلاقي است. ما ذاتاً نمي‌توانيم احكام خدا را رعايت كنيم، نمي‌توانيم ارادة او را به‌عمل بياوريم و در واقع نمي‌توانيم به آنچه كه در نظر او نيكوست عمل كنيم. ضعف ما ناشي از گناه ما است و شامل ناتواني و درماندگي ما در نجات خويش از تأثيرات سقوط بشريت در دامان گناه مي‌شود. ضعف ما در اين است كه نه مي‌توانيم خود را از محكوميتي كه خدا بر ما وارد آورده است برهانيم، و نه از فساد اخلاقي و

روحاني‌مان و نه از رنج و مرگ. درك اين مطلب كه خدا نيكوكاران و عادلان و مقدسان و خالصان را دوست مي‌دارد كاري است بس آسان؛ اما درك اين مطلب كه خدا ناعادلان و نامقدسان را محبت كند تـا بدان حد كه پسر خود عيسي مسيح را براي رهايي آنان فدا سـازد، امـري اسـت بس عجيب! اگـر محبت خدا نسبت به ما مشروط به محبت ما نسبت به او مي‌بود، آنگاه با از بين رفتن محبت ما، محبت او نيز از بين مي‌رفت! آنگاه نجات ما وابسته مي‌بود به ثبـات قلب فريبكـار مـا. امـا از آنجـا كـه اول خـدا مردمـان ناشايسته‌اي چون ما را محبت نمـود - مـا كـه گنه‌كـار و دشـمنان او بـوديم - و از آنجـا كـه عيسـي مسـيح به‌خاطر گناهان ما مرد - ما كه گنه‌كار و دشمنان خدا بوديم - بنابراين، نجات ما وابسته به محبت خودمـان نيست بلكه به محبت پيوسته و مداوم خدا نسبت به ما (اول يوحنا 4:10)! آية 7 مي‌فرمايـد كـه در ميـان انسانها هرگز شنيده نشده است كه كسي در راه انسان عـادل بميـرد، يعـني فـردي كـه شـريعت خـدا را رعايت مي‌كند. بيشترين چيزي كه از طبيعت انسان مي‌توان انتظار داشت اين است كه فردي در راه يـك انسان نيكو بميرد، يعني در راه كسي كه نسبت به او محبت و نيكويي نشان داده است. در ميان مردمـان اين جهان، حتي به‌زحمت كسي در راه يك انسان عادل و نيك جان مي‌سپارد. اما عيسـي كـاملاً خلاف اين عمل كرد زيرا او براي ناعادلان و شرايران جان سپرد! مرگ مسيح تجسم محبت خدا بود، محبـتي كـه در تمامي طول تاريخ بشر بي‌همتا است! پولس در روميان 5:6-8 عظمت محبت خدا را مي‌ستايد.

سؤال 4. (5:9-11). فرق ميان «عادل شمردگي»، «مصالحه» و «نجات» چيست؟
يادداشت.
1- «عادل شمردگي» بيانگر تغيير وضعيت است. عادل‌شمردگي بدين معنا است كه خدا بـا توجـه بـه شريعت، فرد گنه‌كار را در نظر خود كاملاً عادل اعلام داشته است. و نتيجة اين است كـه اكنـون و نـيز در روز داوري آن فرد را كاملاً عادل تلقي كرده و بـه همين شـكل بـا او رفتـار مي‌كنـد (يوحنـا 5:24). عـادل شمردگي شامل بخشايش گناهان، مصـالحه بـا خـدا، بهره‌منـدي از عنـايت او، و پـذيرش كامـل از سـوي اوست. عادل شمردگي ضمانتي است بر اين كه بركاتي نظير تقديس و جلال به‌يقين در پي خواهنـد آمـد. روميان 5:9 چنين تعليم مي‌دهد كه «خون مسيح» باعث عادل شمرده شـدن مـا اسـت. در كتاب‌مقـدس عبارت «خون مسيح» همواره به معناي «مرگ مسيح» است. كلام خدا به وضوح تعليم مي‌دهـد كـه مبنـا، دليل، و اساس عادل شمردگي ما نه اعمال، ايمان، و يا اطاعت ما ، و نه حتي عمل نيك مسيح «در» مـا، بلكه عمل نيك مسيح براي ما است (روميان 3:25، افسسيان 2:13، عبرانيان 9:12).
2- «مصالحه» بيانگر تغيير رابطه است. مصـالحه بـدين معنـا اسـت كـه طرفينـي كـه تـا پيش از اين دشمن بودند، با يكديگر مصالحه كرده‌اند. كتاب‌مقدس از سه نوع مصالحه سخن به ميان مي‌آورد:
- نخست، روميان 5:9-11 از مصالحة خدا با گناهكاران سخن مي‌گويد. خداي قدوس به‌خاطر گناهـان ما از ما دور شد. او همچون دشمن ما است كه بايد گناهانمان را مجازات كند و چنين نيز خواهد كرد. امـا خشم مقدس او به‌خاطر قرباني كفاره‌كنندة مسيح فرونشسته، و دشمني او با مـا برطـرف شـده اسـت. بنابراين، ما ديگر از خدا جدا نيستيم!
- دوم، روميان 5:1 از مصالحة گناهكاران با خدا سخن مي‌گويـد، بـدين معنـا كـه آنهـا از صـلح بـا خـدا برخوردارند. و از آنجا كه به مرگ كفاره‌كنندة مسيح ايمان دارند، خدا نيز آنان را عادل شمرده و با آنان در مصالحه به‌سر مي‌برد.
- سوم، متي 5:23-24 از مصالحة دو برادر با يكديگر در كليسا سخن مي‌گويد. و افسسيان 2:16 نـيز از مصالحة مردمان از ملت‌هاي مختلف با يكديگر سخن مي‌گويد. از آنجا كه خدا رابطة خود را با ما دگرگون ساخته است، ما نيز مي‌توانيم و بايد رابطة خود را بـا خـدا، ديگـر بـرادران و مردمـاني از ملت‌هـاي ديگـر دگرگون سازيم.
3- «نجات» بيانگر فرايند دائمي تحول است. نجات با عادل شمردگي آغاز مي‌شود كه همانا رهايي از مجرميت ناشي از گناه است. اين نجات از طريـق فراينـد دائمي تقـديس در تمـامي طـول زنـدگي ادامـه مي‌يابد كه همانا رهايي از سيطره و آلودگي گناه است. و نجات در جلال‌يافتنِ ايمانداران به كمال مي‌رسد كه همانا رهايي از حضور گناه و تمامي عواقب آن اسـت (عواقـبي نظـير بيمـاري، مـرگ، بلايـاي طـبيعي، فساد موجود در جهان، جهان ارواح شرير). وقتي در رومیـان 5:9-10 نجـات از عـادل شـمردگي متمـايز شده، منظور به كمال رسيدن كاري است كـه عـادل شـمردگي نقطـة آغـاز آن اسـت. اين نجـات شـامل رهايي از شرارت موجود در اين جهان و تأثير و نفـوذ شـيطان و ديوهـا اسـت، و رهـايي از هرگونـه رنج و مرگ، و محفوظ ماندن در برابر هرگونه نقصان، و به ارث بـردن حيـات جـاودان در آسـمان و زمين نـوين مي‌باشد! نجات در اينجا به معناي رهايي از خشم خدا است، خشمي كه در روز داوري نـازل خواهـد شـد. از آنجا كه عادل شمردگي امري كامل و بازگشت‌ناپذير، هيچ‌گونـه مجـازاتي در انتظـار ايمان‌آورنـدگان بـه مسيح نخواهد بود (روميان 8:1). و نجـات كامـل آنـان در آينـده قطعي اسـت! خـدا عمـل خـود را ناتمـام نمي‌گذارد! روميان 8:29-30 مي‌فرمايد كه خدا آنان را كه مي‌خواند عادل مي‌سازد، و آنـان را كـه عـادل مي‌سازد، جلال مي‌دهد! و فليپيان 1:6 مي‌فرمايد كه خدا عمل نيكو را كه در ما آغاز كرده است به كمـال خواهد رساند! و بدين سبب است كه روميان 5:10 مي‌فرمايـد «زيـرا اگـر در حـالتي كـه دشـمن بـوديم، به‌وساطت مرگ پسرش با خدا صلح داده شديم، پس چقدر بيشتر بعد از صلح يافتن به‌وساطت حيـات او نجات خواهيم يافت»! ميان مرگ مسيح و قيام او ارتباطي ناگسسـتني وجـود دارد (رومیـان 4:25). آنـان كه در مرگ او سهيم‌اند، بايد در ثمرات قيام او نيز سهيم باشند. اين واقعيت كه مسيح قيام كـرد و اكنـون زنده است، اين كه او كاهن اعظم و نبي و پادشاه است، مؤيد اين حقيقت مي‌باشد كـه ايمانـدارانِ او نـيز قيام خواهند كرد و تا ابد خواهند زيست (يوحنا 14:19).

اين واقعيت كه ايمانداران به مسيح عادل شمرده شده‌اند و با خدا مصالحه كرده‌اند و از نجات آينده به‌طور كامل برخوردارند، آنان را شادمان مي‌سازد. ما در نجاتمان وجد مي‌كنيم؛ نجاتي كـه بـر زمين آغـاز شده است و در آسمان كامل خواهد شد!

گام 4: كاربرد
ملاحظه: كداميك از حقايق موجود در اين بخش، چيزي اسـت كـه مسـيحيان مي‌تواننـد امـروز آن را به‌كـار ببرند؟
در ميان گذاشتن و يادداشت كردن: با يكديگر فكر كنيم و از روميان 5:1-11 فهرستي از كاربردهاي احتمالي تهيه كنيم.
ملاحظه: كدام كاربرد احتمالي را خدا مي‌خواهد كه شما به كاربردي شخصي براي خودتان تبديل كنيد؟
يادداشت كردن: اين كاربرد شخصي را در دفترتان بنويسيد. مي‌توانيـد كـاربرد شخصـي‌تان را بـا ديگـران در ميان بگذاريد.
(به ياد داشته باشـيد كـه در گروههـاي مختلف، افـراد ممكن اسـت حقـايق متفـاوتي را بـراي كـاربرد شخصـي انتخـاب كننـد، يـا حـتي كاربردهـاي متفـاوتي را از يـك حقيقت اسـتخراج كننـد. ذيلاً فهرسـتي از كاربردهاي احتمالي را ارائه مي‌دهيم.)

كاربردهاي احتمالي
- 5:1؛ با ايمان آوردن به اين كه مسيح به‌جاي شما مرد و قيام كرد با خدا مصالحه كنيد.
- 5:2؛ به‌جاي آن كه با رعايت اعمال مذهبي در پي تحصيل رضايت خدا باشيد، فيض او را بـا ايمـان آوردن به مسيح بپذيريد.
- 5:3-4؛ در رنجهاي كنوني خود شادمان باشيد زيرا خدا از طريق اين رنجها شخصيت شما را شكل مي‌بخشـد و در شـما پايـداري و شخصـيت مسـيحي و اميـدي بوجـود مي‌آورد كـه دچـار يـأس و نااميـدي نمي‌شود.
- 5:5؛ بدانيد كه وقتي عيسي مسيح را در قلب خود بپذيريد، روح مقدس خدا وارد قلبتان مي‌شود تا در آن سكونت كند. و خدا از طريق روح مقدسش محبت خود را در قلبتان جاري مي‌سازد.
- 5:6-10؛ بدانيد كه ذاتاً ناتوان و بي‌خدا و گنه‌كار و دشمن خداييد. بدانيد كه وقـتي بـه مـرگ مسـيح ايمان بياوريد تمامي اينها دگرگون خواهد شد. بدانيد كه مرگ مسيح بر صليب براي خدا تنها راه ممكن بود تا بتواند رحمت و محبتش را با عدالت و قدوسيتش ملازمت بخشد.
- 5:9-11؛ بدانيد كه وقتي به عيسي مسيح ايمان مي‌آوريد، عادل شمرده مي‌شويد و با خدا مصالحه مي‌كنيد و نجات مي‌يابيد! «عادل شمردگي» بدين معنا است كـه خـدا گناهانتـان را مي‌بخشـايد و شـما را صددرصد عادل و پارسا به‌شمار مي‌آورد و در آينده نيز شما را صددرصد عادل محسوب خواهـد داشـت و به همين شكل نيز با شما رفتار خواهد كرد! «مصالحه» بدين معنا است كه خدا با شما صلح كـرده اسـت و شما نيز با او صلح كرده‌ايد. «نجات» بدين معنا است كه شما با ايمان به مسـيح هم اكنـون از احسـاس تقصير و محكوميت گناه آزاد شده‌ايد و بيشتر و بيشتر از عواقب و تأثيرات مخرب و آلـودگي گنـاه در اين دنيا رها مي‌شويد؛ و با بازگشت مسيح به‌طور كامل از تمامي تأثيرات گناه رهايي خواهيد يافت.

كاربردهاي شخصي
- از آنجا كه به عيسي مسيح منجي خود ايمان دارم، بر اين باورم كه خدا مرا عادل شـمارده و بـا من مصالحه كرده است. بنابراين، من نيز با او مصالحه كرده‌ام. مي‌دانم كه گناهان گذشـته‌ام بخشـوده شـده است و خدا گناهان زمان حاضـرم را به‌نفـع من در نظـر نمي‌آورد و هيچ‌يـك از وقـايع آتي زنـدگي من نـيز نمي‌تواند مرا از محبت او جدا سازد!
- از آنجـا كـه بـه منجي خـود عيسـي مسـيح ايمـان دارم، اطمينـان يـافته‌ام كـه سـختي‌ها و رنجهـا و فشارهايي كه به‌خاطر مسيح متحمل مي‌شوم بسيار باارزشند. آنها در من بلوغ مسيحي بوجود مي‌آورند و شخصيت مرا در خدمت به او مؤثرتر مي‌سازند. همچنين باور دارم كه نه محبت من نسبت بـه خـدا بلكـه محبت او نسبت به من است كه سبب مي‌شود در مقابل رنجها و جفاها پايدار بمانم! خدا را مي‌ستايم كـه هرگز مرا رها نمي‌كند!

گام 5: دعا
دعا: هر يك از ما به‌نوبت در بارة يكي از حقايقي كه خدا از روميان 5:1-11 به ما آموخته است، دعا كنيم.
(نسبت به آنچه كه در طول اين بررسي كتاب‌مقدس آموخته‌ايـد، در دعـا واكنش نشـان دهيـد. تمـرين كنيد كه فقط طي يك يا دو جمله دعا كنيد. به يـاد داشـته باشـيد كـه افـراد در گروههـاي مختلف، در بـارة مطالب متفاوتي دعا خواهند كرد.)

5 دعا (8 دقيقه)
دعاي واكنشي
در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به‌نوبت دعاهايي كوتاه به‌حضور خدا بكنيد.

يا گروه را به دسته‌هاي دو نفري يا سه نفري تقسيم كنيد تا در واكنش به آنچه كه امروز آموختيد، به حضور خدا دعا كنيد.

6 تكليف (2 دقيقه)

براي جلسه بعد

(رهبر: اين تكليف را به‌صورت نوشته به اعضاي گروه بدهيد يا بخواهيد كه آن را در دفتر يادداشتشان رونويسي كنند).

- تعهد: نسبت به شاگردسازي و بناي كليسا و موعظة ملكوت احساس تعهد كنيد.
براي يك فرد يا يك گروه «روميان 1:5-11» را موعظه كنيد، يا تعليم دهيد يا بررسي نماييد.
- وقت خلوت: هر روز به اندازة نصف فصل از مزامير 16، 18، 19، 22 بخوانيد. از روش حقيقت دلخواه استفاده كنيد. يادداشت برداريد.
- به خاطر سپردن: آية جديد از كتاب‌مقدس را مورد تفكر قرار دهيد و آن را حفظ كنيد، روميان 4:5. اين آيه را هر روز تكرار كنيد.
- دعا: در اين هفته براي يك شخص يا يك چيز مشخص دعا كنيد و ببنيد كه خدا چه مي‌كند (مزمور 5:3).
- آمادگي: مثل سامري نيكو در لوقا 10:29-37. از روش 6 گام براي تفسير مَثَل‌ها استفاده كنيد.
- پوشة مربوط به «موعظة ملكوت خدا» را تكميل كنيد.